

چالش جهانی فقر شهری

دکتر مهرداد جواهری پور*

در واپسین دهه های قرن بیستم فرآیندهای گوناگونی موجب شکل گیری پدیده ای به نام « شهری شدن فقر » یا « فقر شهری » شد که یکی از بازتابهای کالبدی آن در ساختن سکونت گاههای غیر رسمی تبلور یافته است. فرجام ناگزیر توسعه شهری به دلیل سرریز نیروی کار مناطق روستایی و ناکارآمدی سیاستهای تعدیل اقتصادی در دهه هشتاد میلادی و تأثیر آن بر کاهش آهنگ توسعه اقتصادی بر شمار گروههای آسیب پذیرتر به ویژه در کشورهای در حال توسعه افزوده و به تدریج کانون فقر از روستا به شهر انتقال یافته است.

از سوی دیگر فرآیند جهانی شدن تأثیر چشم گیری بر ساختار فعالیتهای اقتصادی و اشتغال بر جای گذارده و همچنین بر نقش و اهمیت شهرها و به ویژه کلان شهرها به مثابه نیروی محرکه توسعه اقتصادی - اجتماعی در مقیاس ملی و منطقه ای افزوده است. توسعه اقتصادی موزون وابسته به توسعه پایدار سکونت گاههای شهری است و در صورتی این امر تحقق می یابد که شهر بتواند از لحاظ اقتصادی مولد و از حیث اجتماعی فراگیر باشد، به بیان دیگر تمامی گروههای اجتماعی از جمله کم درآمدهای شهری بتوانند از دستاوردهای توسعه شهری بهره مند شوند. اسکان غیر رسمی نمادی از فقر شهری است ولی در عین حال بخشی از سرمایه اقتصادی و اجتماعی شهرها به شمار می آید و نباید آن را فقط به مثابه مشکل نگرست، بلکه می توان با توانمندسازی ساکنان این سکونت - گاهها به توان اقتصادی شهرها افزود. از همین رو نیل به توسعه اقتصادی وابسته به سکونت گاههای پایدار شهری و از رهگذر مبارزه و کاهش فقر می تواند تحقق یابد. این نکته در دستور کار بیست و یک (نشست ریو) و منشور کمیسیون اسکان بشر (هیئات دو) تأکید شده است.

*دکترای جامعه شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه

در سال ۱۹۹۲ نخستین اجلاس سازمان ملل در زمینه توسعه و محیط زیست در شهر ریودوژانیرو در برزیل با عنوان « اجلاس جهانی سران کشورهای درباره زمین » (Earth Summit) برگزار شد و توسعه پایدار سکونت گاهها با توجه به مسائل زیست محیطی در دستور قرار گرفت. برآیند گفتگو و تصمیمهای این اجلاس در سندی با عنوان دستور کار ۲۱ (Agenda 21) یعنی برنامه جهانی برای توسعه پایدار در قرن ۲۱ میلادی ارائه شد. بر اساس همین سند و در چارچوب نیل به راهبرد سکونت گاههای ناپایدار برای تأمین مسکن مناسب برای همه ، بهبود وضعیت سکونت گاهها و محله های فقیر نشین و همچنین توسعه منابع انسانی و ظرفیت سازی (Capacity Building) ، تمرکز زدایی، و تفویض اختیارات به مقامهای محلی مسئول توسعه شهری توجه شد. نکته مهمی که در بیانیه ریو به آن توجه شده در دستور کار قرار گرفتن مبارزه با فقر به منظور تحقق توسعه پایدار است. تمرکز راهبردی نشست ریو به تدریج بازتاب بیشتری یافت و در نشست جهانی برای توسعه اجتماعی، سند معروفی به نام بیانیه کپنهاگ در سال ۱۹۹۵ منتظر شد که برای نخستین بار بر موضوع فقر شهری یا پدیده شهری شدن فقر در دهه ۹۰ به روشنی تأکید شد.

در ادامه این کوششها، اجلاس سازمان ملل در زمینه مباحث توسعه شهری و مسکن (هیبتات دو) در سال ۱۹۹۵ با عنوان اجلاس « چالش شهرهای غیر رسمی » در شهر بلوهوریزونته (Belo Horizonte) در برزیل برگزار شد. همراه با این اجلاس ، کارگاه (Workshop) نیز با عنوان سامان دهی نحوه تصرف زمین (Regularization of land tenure) پا شد. از اهم نتایج این اجلاس و کارگاه می توان به اهمیت نقش محوری شهرها ، تدوین سیاست شهری، محوریت نقش شهرداریها ، تأکید بر دسترسی گروههای کم درآمد به زمین و خدمات و حقوق زنان سرپرست خانوار اشاره کرد (Unchs, 2001). در سال بعد گردهمایی جهانی دیگری درباره فقر شهری در شهر رسیف (Recife) در برزیل باهدف ارائه رهنمودهایی به هیبتات دو تشکیل شد که به بیانیه رسیف معروف است. در این بیانیه نیز تأکید بر توانمند سازی و ضرورت مبارزه با فقر شهری تأکید می شود.

در سال ۱۹۹۷ اجلاس جهانی فلورانس با عنوان « روند رو به گسترش فقر شهری » برگزار شد و نهاد جهانی جدیدی به نام « همایش جهانی درباره فقر شهری » یا ایفاپ (International Forum for Urban Poverty) تأسیس شد که اعضای آن را طیف گسترده ای از

مقامهای محلی، سازمانهای غیر دولتی و نهادهای دانشگاهی تشکیل می دادند. هدف از برگزاری این همایش ایجاد چارچوب و بستری برای ایجاد آگاهی و مبادله تجربه در زمینه مبارزه با فقر شهری بود. راهبرد جدیدی که ایفای مطرح کرده، شهرهای فراگیر (Inclusive Cities) بود. این راهبرد ترجمان دیگری از دستور کار هیئات در زمینه فراهم آوردن زمینه همکاری و مشارکت کم درآمد ها در برنامه توسعه شهری و تأمین مسکن و خدمات، همچنین مدیریت شهری مطلوب باتأکید بیشتر بر راهکارهای مبارزه با فقر است. از همین رو، کوشش بر آن بوده است طیف گسترده ای از عوامل فعال و مطرح در این زمینه را گرد هم آورد. برای تحقیق این هدف ایفای تأکید ویژه ای بر فناوری اطلاعات و ارتباطات Information and Communication Technology و دسترسی گروههای اجتماعی متعدد به آن دارد.

روند رشد جمعیت شهری و چالش فقر شهری: جمعیت جهان درآستانه هزاره سوم و در سال ۲۰۰۱ از مرز شش میلیارد و یک میلیون نفر گذشت و بانرخ رشد سالانه ای حدود یک و دو دهم درصد (حدود هفتاد و هفت میلیون نفر در سال) رو به افزایش است. با ادامه این آهنگ رشد، انتظار می رود در پایان نخستین دهه قرن جدید جمعیت جهان به هفت میلیارد نفر افزایش یابد.

سهم کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته از کل جمعیت جهان در ۱۹۵۰ به ترتیب شصت و هشت درصد بود و انتظار می رود تا سال ۲۰۳۰ نسبتها به ترتیب هفتاد و پانزده درصد فزونی یابد. سهم جمعیت کشورهای توسعه یافته از جمعیت جهان روندی نزولی خواهد داشت، به نحوی که از سی و دو درصد در سال ۱۹۵۰ به پانزده درصد در سال ۲۰۳۰ کاهش خواهد یافت.

بخش قابل توجهی از کل افزایش جمعیت جهان به کشورهای در حال توسعه تعلق دارد. به نحوی که این نسبت در دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ حدود هشتاد و نه درصد، در دهه نود بالغ بر نود و پنج درصد بوده و پیش بینی می شود در پایان نخستین دهه هزاره جدید به نود و هفت و شش دهم درصد افزایش یابد. نقاط شهری کشورهای در حال توسعه بیشترین سهم از این روند افزایش را به خود اختصاص می دهند. سهم این سکونت گاهها در دهه های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ به ترتیب چهل و پنج، و هفتاد و دو درصد بوده است، بنا بر برآوردهای موجود در دهه ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ به نود و سه درصد افزایش خواهد یافت.

ارقام پیش گفته نشان این واقعیت است که توسعه شهرنشینی (گسترش کالبدی و افزایش جمعیت نقاط شهری) فرجام ناگزیر اکثر جوامع در دهه های پیش روی هزاره جدید است. در حالی که بنا بر برآوردهای موجود از یک میلیارد نفر افراد فقیر، بیش از هفتصد و پنجاه میلیون نفر در نقاط شهری سکونت دارند که ازسرنه مناسب و خدمات پایه محروم اند، حدود سی و هفت درصد جمعیت شهری کشورهای در حال توسعه در بخش غیر رسمی شاغل هستند و یک چهارم خانوارها در فقر به سر می برند (Unchs, 2000).

سومین نشست ایفآپ در سال ۱۹۹۹ با موضوع «یکپارچگی اجتماعی وامنیت برای کم درآمدان شهری: به سوی شهرهایی برای همه» در شهر کنیا در کشور نایروبی برگزار شد. شهرهای مردم قرن بیست و یکم: دیدگاهی منطقه ای درباره فقر شهری در آسیا نوشته مری راسیلیس (Mary Racielis) از جمله مقاله های ارائه شده در این نشست بود که پدیده موسوم به حاشیه نشینی و به عبارت دیگر سکونت گاههای غیر رسمی یا نابسامان را در چارچوب گسترش فقر شهری و فقدان سیاست روشن مدیریت شهری برای پاسخ گویی به نیازهای گروههای کم درآمد شهری ارزیابی کردند. نظر به اینکه معمولاً نگرش غالب به اسکان غیررسمی بیشتر معطوف به مباحث آسیب شناسی اجتماعی است و کمتر به این نکته توجه می شود که گروههای کم درآمد شهری و منابع انسانی و مادی آنان بخشی از روند توسعه شهری (و البته بخش بچیده آن) است و توانمند ساختن آنان بر کارآمدی روند توسعه شهر می افزاید. از سوی دیگر، نیل به توسعه پایدار مستلزم تحقق سکونت گاههای پایدار شهری است، سکونت گاههایی که از آنها به منابه موتور توسعه اقتصادی - اجتماعی درآستانه هزاره سوم میلادی نام برده می شود. از همین روست که پرداختن به اسکان غیر رسمی در چارچوب راهبرد مبارزه و کاهش فقر شهری امری مهم پنداشته می شود. نوشتار زیر ترجمه و خلاصه ای از مقاله مری راسیلیس درباره فقر شهری در آسیاست.

۱) شهرهای مردم قرن بیست و یکم: دیدگاهی منطقه ای درباره فقر شهری در آسیا

بحران مالی آسیا بازنگری آگاهانه الگوی «اقتصاد ببر یا بهره های اقتصادی آسیا» (Tiger Economy) را که تا چندی پیش مایه حسرت دیگر منطقه های جهان بود، ضروری ساخته است. هر چند نخبگان و رهبران اقتصادی سرمایه گذارهای بی ثبات جهانی را موجب نزول ناگهانی کشورهای پر رونق سابق می دانند اما دیدگاه دیگری به فساد، اولویتهای نادرست سرمایه گذاری نخبگان محلی عنان گسیخته و رژیم های اقتدار گرایی اشاره می کند که نقد سیاستهای حکومتی را سرکوب می کند و در برابر تلاشهای جامعه مدنی برای باز کردن فضای

سیاسی برای گفتگو، مذاکره، و فعالیت مقاومت می‌ورزد. در مباحث بی‌شمار درباره یافتن راه حل بحران و تدوین چشم‌اندازی جدید به توسعه ملی، ناظران به این احساس می‌رسند که سیاست‌گذاران سنتی هنوز در حال سرهم‌بندی کردن الگوهای قدیمی و منسوخ هستند و رویکردهای جدید دگرگون‌ساز را که برای پیشرفت قرن بیست و یکم ضروری است، جامه عمل نمی‌پوشانند.

یکی از موضوعهای قابل توجه این است که سیاست‌گذاران به ندرت برای مشارکت هدف‌مند شهروندان در امور حکومت ارزش قائل می‌شوند. با اینکه این عامل می‌تواند موجب قوام یا فروپاشی جوامع در قرن جدید باشد با حفظ اختیارات جامعه مدنی، مردم در تصمیم‌هایی که وضعیت آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد مشارکت می‌کنند، در غیر این صورت پاسخ‌گویی و شفافیت فرآیندهای دولتی همواره مبهم باقی خواهد ماند. پایان دادن به فقر انبوه فقط بر اساس الگوی توسعه پایدار انسانی وقتی میسر می‌شود که در کانون آن هفتصد میلیون نفر از فقرای شهری آسیا جای داشته باشد. اگر قرار است که شهرهایی پایدار داشته باشیم که در این چارچوب مردم مطرح باشند و مهم پنداشته شوند، رشد اقتصادی، حمایت از محیط زیست، برابری اجتماعی و اراده سیاسی باید الزاماً و به شیوه‌ای خلاقانه در کنار یکدیگر قرار گیرند.

۲) چگونگی پیدایش و بقای فقر شهری

سیاستها و ترتیبات نهادی که کل جامعه را در احاطه خود دارد، فقر شهری را ایجاد و تقویت می‌کند. فعالیت کشاورزی معطوف به محصولات صادراتی در مزرعه‌های بزرگ، ارائه خدمات ناچیز به نیازهای توسعه‌ای کشاورزان خردمقیاس، و کارگران روستایی که می‌کوشند به جهان سودآور مؤسسات اقتصادی دست یابند، از جمله این سیاستهاست. دسترسی محدود به خدمات پایه Basic Services از قبیل بهداشت، آموزش، آب آشامیدنی، برق، مسکن، حمل و نقل و ارتباطات راحت و ارزان به منابع بالقوه انسانی آنها صدمه می‌زند. روندهای جهانی نخبگان ملی را تشویق می‌کند به توسعه صنعتی و تجارت بین‌المللی برای ایجاد درآمد گسترده

تر و نیز طرح مشکلات توجه کنند که به رویکردهای فنی کاربر Labour- Intensive آسیب می‌رساند. همان طور که فقر روستایی بیشتر می‌شود و قوانین و نظم موجود اثر بخشی خود را از دست می‌دهد، آسیب پذیری روستاییان پیرامون شهرها افزایش می‌یابد و خانوارها جداً به این فکر می‌افتند که به شهرهای کوچک و بزرگ نقل مکان کنند، مکانی که آرامش نسبی، موقعیتهای معیشتی و خدمات پایه ناچیز گزینه‌های معناداری را ارائه می‌کند. افزون بر نتایج مخرب پدیده خشکسالی ال نینو (El Nino) در سالهای گذشته و شرایط ایجاد شده تعداد بیشتری از مردم به سوی شهرها مهاجرت کرده‌اند.

آنها جایی در انتقال از روستا به شهر، درمی‌یابند که تصوراتشان دگرگون می‌شود. آنجا که زمانی فقیر ولی افراد محترمی بودند و زمین را شخم می‌زدند، در مکان جدید تبدیل به حاشیه نشین شده‌اند، به دلیل بهره برداری غیر قانونی از فضای شهری و به عنوان «قانون شکنان» شمانت می‌شوند. مقامهای شهری و حکومتی به ویژه در مناطق کلان شهری از مسئولیت تأمین خدمات برای آنها سرباز می‌زنند و ترجیح می‌دهند در موقع مناسب سکونت‌گاههای آنان را خراب کنند. وضعیت اجاره نشینان محلات فقیر نشین و آلونکی در قبال پرداختشان اندکی بهتر است و از تهدید بیرون رانده شدن در امان می‌مانند، مگر آنکه جایی برای خواب یا اتاقی را در سکونت‌گاههای غیر رسمی اجاره کنند.

قدرت تحمل اقتصاد غیر رسمی - که اکثر درآمدهای شهری زندگی خود را از این بخش تأمین می‌کنند و در آسیا نیمی از محصول ناخالص داخلی و البته ثبت نشده را تشکیل می‌دهد - ابتدا امکان بقا و به تدریج زمینه بهبود موقعیت مهاجران را فراهم می‌آورد. بسیاری از آنان خیلی زود از مقوله «فقیرترین فقرا» خارج و عضوی از فقرای پیشرو می‌شوند، و همه این تحولات بدون حمایت حکومت در قالب اعطای اعتبار، ارائه آموزش و سایر کمک‌هایی است که می‌تواند آنان را توانمند سازد تا به درون بخش رسمی سود آورتر راه یابند. بر عکس، اقدامهای ایدایی نیروهای انتظامی و مقامات محلی وضعیت زندگی متزلزل و بی ثبات آنها را به مراتب پیچیده تر می‌کند. این اعتقاد که ساکنان اسکان غیر رسمی روستاییان مهاجری هستند که

باید به زادگاهشان بازگردند و با حضورشان شهر را لکه دار کرده اند، لجاجت تکرار می شود. تداوم این اعتقاد شاید به این دلیل است که مقامهای رسمی می توانند از بار مسئولیت خود در قبال این گروهها شانه خالی کنند و وظیفه خود را در مراقبت از آنها به وظیفه بازگرداندن آنان به مبدأ مهاجرت خلاصه کنند.

واقعیت این است که تعداد کثیری از ساکنان کنونی در سکونت گاههای غیر رسمی و قدیمی را نسل دوم یا حتی سومی تشکیل می دهند که متولد شهر هستند و نه روستا زادگانی که به آنجا بازگردند.

بحران مالی اخیر در آسیا وضعیت کم درآمدان شهری را وخیم تر کرده و بر تعداد کارکنانی که از بخش رسمی بیرون رانده می شوند افزوده است. در حال حاضر خانوارهایی که به سوی اقتصاد غیر رسمی کشیده می شوند اندکی بالاتر از خط فقر قرار دارند. کارگران صنعتی یا ساختمانی (بخش رسمی) پیشین انبوهی از رده های اقتصاد غیر رسمی را تشکیل می دهند که در جستجوی منابع درآمدی دیگری هستند. حتی زنان وادار می شوند با ساعت کار طولانی تر یا با جستجوی کارهای درآمدزا بخش بیشتری از کمبود درآمد خانوار را جبران کنند. بدین ترتیب کودکان کارگر رها شده و گدایان به خیابانهای شهر هجوم می آورند.

پیمایشهای اجتماعی و شواهد مستند نشان احوای راهبردهای سنتی است. کودکان از مدرسه بیرون آورده می شوند تا کار کنند و از هزینه ها کاسته شود، در غیر این صورت به محل اصلی بازگردانده می شوند تا با بستگان روستایی و فقیر خود زندگی کنند. پدر و مادر از کمیت و کیفیت می کاهند، خرید و پوشاک، وسائل خانگی، یا سایر خریدهای ضروری را به آینده موکول می کنند، و برخی از دارایی خانوار مانند رادیو، ساعت یا دوچرخه را می فروشند یا گرو می گذارند، پول قرض می گیرند تا اتاقی اجاره کنند و خانواده خود را در محیط کوچکی به زحمت جای می دهند. زنانی که برای چهارمین بار باردار می شوند به سقط جنین غیر قانونی در مکانهای غیر بهداشتی روی می آورند. فقرای شهری در مواجهه با تنگدستی شدید به تکاپوی خود برای بقا ادامه می دهند و امیدوارند به زندگی بهتری دست یابند، چرا که همواره وضعیت

آنان همین بوده است. مگر آنکه حکومتها در عوض اقدامات ایدایی، ظرفیتهای کاملاً کم درآمد شهری را برای بقا و پیشرفت تدریجی به درستی تقویت کنند و افزایش دهند، در غیر این صورت فقر شهرها را به تباهی خواهد کشاند.

۳) تکابوی کم درآمدان یا فقرای شهری

در عین حال که می توانیم تأثیر تداوم فقر را بر کم درآمدهای شهری تعمیم دهیم، تدوین راه حلها مستلزم درک بهتر این نکته است که چگونه برخی گروههای کم درآمد می توانند از عهده تأمین زندگی خود برآیند و انعطاف شگفت انگیزی را در عرصه به نمایش گذارند.

- زنان و مردان کارگر: عوامل مرتبط با جنسیت فقر شهری در تقسیم کار بین مردان و زنان تأثیر می گذارد. اشتغال مردان در بخش حمل و نقل چشم گیر تر است؛ در عین حال به تولید در سطح خرد نیز می پردازند. از سوی دیگر، زنان به خدمات و خرده فروشی در بازار و دکه ها مشغول اند. هر چند که ممکن است شوهران آنان در جایی مشغول به کار باشند، ولی معمولاً درآمد آنان برای حمایت کامل خانواده کفایت نمی کند؛ از همین رو زنان مجبورند به کار اشتغال داشته باشند.

یکی از واهمه های جدی زنان فقیر شهری امنیت جانی است. همراه با افزایش مردان بیکاری که در کافه های محلی برای صرف مشروبات الکلی تجمع می کنند، زنان خود را در معرض خطر جدی می یابند. دانش آموزان یا زنان کارگری که در تاریکی شب به سوی خانه هایشان باز می گردند در خطر تجاوز و حمله رهگذران هستند. زنان امیدوارند که شوهرانشان الکلی نشوند تا بعداز ورود به خانه کمک کاری نکنند. بدین ترتیب تعدی و آزار جنسی و سایر شکلهای خشونت علیه زنان و کودکان بیش از پیش رایج می شود.

- زنان سرپرست خانوار: این گروه با دشواریهای ویژه ای مواجه اند، زیرا اغلب تنها تأمین کننده معاش خانواده هستند و پرورش کودکان با آنهاست. با وجود چنین

شرایطی آنها امکان انتخاب چندانی ندارند و ناچار هستند که کودکان خود را برای یافتن شغل از مدرسه خارج کنند تا اینکه مسئولیت خانوار را تقبل کنند و در فکر نگهداری از کودکان باشند. زنان سرپرست خانوار را می توان آسیب پذیرترین بخش کم درآمدهای شهری دانست که مجبورند به مشاغل کارگری ساده و با کمترین دستمزد بپردازند یا به خود فروشی روی آورند؛ در عین حال زمانی که آنان بتوانند درآمد معقولی به دست آورند، بخش قابل توجهی از آن را به خرید اغذیه بهتر، تحصیل و مراقبتهای بهداشتی کودکانشان اختصاص می دهند.

• کارگران مهاجر: برخی از کشورهای آسیا پیش از وقوع بحران مالی شماری از کارگران مهاجر ماهر و نیمه ماهر کشورهای همسایه را به خود جذب کرده اند. رونق فعالیتهای ساخت و ساز شهری صدها هزار تازه وارد خارجی را به سوی شهرها روان ساخت و همچنین شماری از زنان کارگر در خانوارهای مرفه تر مشغول به کار می شدند و با وقوع انقباض و بحران اقتصادی بسیاری از کارگران خارجی با خطر اخراج و بازگشت به موطن اصلی خود مواجه شدند- مانند تبعه های کشورهای اندونزی، فیلیپین و سری لانکا - که چشم انداز امکان اشتغال در آنجا نیز چندان روشن نبود. بنابراین، این گروه سعی می کرد به شیوه های قانونی یا غیر قانونی در مکانهایی مانند منطقه ویژه اقتصادی هنگ کنگ، مالزی یا سنگاپور باقی بمانند و اغلب با محیط خصمانه ای نیز مواجه می شدند. بسیاری از خانواده های این افراد که در کشور مبدأ در مناطق شهری سکونت داشتند در شرایط رکود اقتصادی، پیش از بازگشت تامین کننده اصلی درآمد خانواده به موطن خود، با کاهش ناگهانی درآمد مواجه می شدند. به این وضعیت دشوار و اغراق آمیز باید شمار رو به افزایش بازگشت کارگرانی را افزود که برای اشتغال به نواحی دور دست تر مانند خاورمیانه رفته بودند و در نتیجه خانواده هاشان می بایست از امکان اولیه پویایی اجتماعی صرف نظر می کردند.

- **کودکان :** یکی از پیامدهای آشکار بحران مالی آسیا افزایش شمار کودکان در جستجوی کاری است که در خیابانهای شهری تجمع می‌کنند، آنها برای تأمین معاش همکاری میکنند (از فروش کیسه های پلاستیکی در بازار، حمل بسته های زنان خانه دار گرفته تا گدایی). برخی از آنان در کارخانه ها برای ساعتهای طولانی و در شرایط مخاطره انگیز (مانند در معرض مواد شیمیایی خطرناک قرار گرفتن) یا در کارگاههای ساختمانی به کار مشغول می‌شوند. درعین حال که بسیاری از کودکان خیابانی خانه و خانواده هایی دارند که شبها را در آنجا سر می‌کنند، بخشی از درآمد خود را صرف تحصیل می‌کنند، حدود یک چهارم آنان در خیابانها سکونت دارند، و اغلب با سایر کودکانی که رها شده اند شروع به همکاری می‌کنند. بسیاری از آنان تحت حمایت سازمانهای تهیکاری به سرعت به فعالیت در زمینه مواد مخدر و فحشای کودکان روی می‌آورند.

- **سالمندان :** انتهای دیگر مقیاس سنی را سالمندان تشکیل می‌دهند که تا همین اواخر چنین فرض می‌شد که آنان با مشکلات جدی روبرو نیستند؛ زیرا نظام سنتی خانواده در آسیا از آنها حمایت و مراقبت می‌کند. با این حال در محله های کم درآمد نشین شهری، سالمندان ناچارند مستقیماً با کارکردن یا غیر مستقیم با مراقبت از کودکان در درآمد افراد بزرگسال خانواده مشارکت جویند. در حالی که سالمندانی با بنیه بهتر می‌توانند در تأمین درآمد خانواده سهم باشند، ولی با گذشت زمان به سلامتی آنان به تدریج در معرض آسیب است. همین امر بر پسران و دختران بدبخت آنان فشار بیشتری وارد می‌آورد. علم سالمند شناسی (Gerontology) هنوز در پی یافتن راهی به درون محلات فقیر نشین و پر جمعیت است. افزایش ضعف و ناتوانی زنان و مردان سالمند مانع از فعالیت درآمد زای آنان می‌شود و وقت آنان کم و بیش صرف مراقبت از کودکان خانواده می‌شود. ارزشهای سنتی مراقبت ویژه از سالمندان با افزایش فقر ممکن است به سرعت دستخوش فراموشی شود.

• **معلولان و از کارافتادگان:** بنا بر برآوردهای موجود حدود ده درصد از هر جامعه ای در گروه افراد آسیب پذیر جای می گیرند که می کوشند با وجود ناتوانی یا معلولیت جسمی - روحی به بقای خود ادامه دهند. به استثنای گروهی که دچار معلولیت‌های سختی هستند ، بسیاری از معلولان به گونه ای با ناتوانی خود کنار آمده اند - آنهايي که با چرخک جا به جا می شوند یا دچار ناشنوایی هستند- و برای امرار معاش دست فروشی می کنند، زنان و مردان نابینا پادری می یابند یا در میدانهای شهر موسیقی می نوازند برخی نیز به کمکهای خیریه یا گدایی اتکا می کنند. کمک به افراد معلول باید در خدمت استقلال آنها به صورت کارکنانی متکی به خود باشد تا تأثیر به سزایی در عزت نفس و کاهش نگرانی آنان به عنوان سربار خانواده هایشان داشته باشد.

• **اقلیت‌های قومی و کاستی:** در شرایط فقر شدید و بیکاری ، گروه‌های دچار فلاکت و بدبختی و مردانی که بیش از پیش مشروبات الکلی می خورند ، اقلیت‌های قومی و فرهنگی رادرمعرض تهدیدهای جدی قرار می دهند. این گروه‌ها قربانی افزایش تنشهای محلی می شوند. نزاعها و درگیری که در وهله اول ارتباطی بااقلیت خاصی ندارد به سادگی ممکن است تبدیل به خشونت‌ی گسترده علیه آنان شود. به این ترتیب ، امنیت جانی یکی از دل نگرانیهای مهم چنین گروههایی می شود.

مبارزه برای کاهش فقر مستلزم سیاست‌های کلان است و باید به گونه ای تدوین شود که تمامی کم درآمدها را شامل شود. در عین حال که شیوه های برگزیده باید بتوانند تأثیر مثبتی بر گروه‌های پیش گفته داشته باشد، شیوه نگرش به هر یک نیز احتمالاً با یکدیگر ممکن است متفاوت باشد. شناخت سطوح فقر و وضعیت‌های متغیر موجود در گروه‌های پرشمار و متنوع استفاده از رویکردهای میان یا بین رشته ای را ضروری می سازد. اطلاعات دقیق ، مشاهده و تحلیل ماهرانه داده ها و مشارکت خود گروه‌های کم درآمد در معین ساختن عناصر کلیدی و تعیین کننده که بر زندگی آنان مؤثر است و همچنین در یافتن راه از مؤلفه های مهم این روند

محسوب می شود. دهک نخست گروههای کم درآمد یا فقیرترین کم درآمدها نیازمند اقدامهای حمایتی متفاوتی از دهک های سوم و چهارم (کم درآمدهای پیشرو) هستند. برای غلبه بر پیچیدگی فقر شهری، بیانیه رسیف (Recife Declaration) خاطر نشان می سازد:

فقر شهری از حیث ارزیابی و سیاست گذاری تناقضی را پیش روی می گذارد. برای کم درآمدها فقر شهری بخشی تفکیک ناپذیر از زندگی روزمره آنان است؛ واز سوی دیگر، برای نهادی که با هدف مقابله با آن تأسیس می شود، فقر وضعیتی است که باید با مجموعه ای متنوع از برنامه ها به آن پاسخ گفت که اغلب بخشهای بسیار و ناهمخوان دارند، و در نهایت تأثیر جزئی برجای می گذارند. بنابراین، ناهمگونی آشکاری بین واحدهای تجربه و تنوع مؤسسات پاسخگو وجود دارد.

۴) کم درآمدان شهری به مثابه احیا کنندگان شهر

باینکه متوسط مقامهای رسمی شهری، کم درآمدها را به مثابه مشکل می نگرند، ولی دستاوردهای آنان در چند دهه گذشته توسعه مهارتشان را به نمایش می گذارد و مشارکت قابل ملاحظه ای در سرزندگی و بقای شهری که در آن زندگی می کنند داشته است. شهرهای آسیایی بدون آنها نمی توانند به بقای خود ادامه دهند، و اگر کم درآمدها دست از فعالیت خود بکشند، چرخهای فعالیت شهر نیز هم زمان با آن از حرکت باز می ایستند با وجود تهدید و اقدامات ایدایی مالکان اراضی و مقامات دولتی، آنها دارایی و اموال بسیاری جمع آوری می کنند که به شهر نیز تعلق دارد. مقامهای محلی باید این داراییها را به رسمیت بشناسند، همان گونه که به امکانات سرمایه گذاری جدید می اندیشند که از طریق تمرکز زدایی تحقق می یابد. اگر مقامهای محلی به کم درآمدهای شهری به مثابه منابع مهم انسانی برای ارتقای بهره وری شهرهای کوچک و بزرگ بنگرند، مقامهای دولت مرکزی نیز در شیوه تخصیص منابع موجود تجدید نظر خواهند کرد تا نیازهای توسعه ای شهروندان کمتر بهره مند را تأمین کنند.

احتمالاً این پرسش مطرح می شود که کم درآمدهای شهری چگونه در امور شهری مشارکت می ورزند؟ نخست ، آنها هکتار ها زمین را که انباشته از زباله های خانگی است احیا می کنند. آنها ابتدا خانه های موقت و سردستی خود را در حاشیه رودخانه ها ، مناطق سیل گیر یا شبه بیابانی احداث می کنند، ولی به تدریج با افزایش درآمد خانوار آن را بهسازی می کنند. باافزایش تدریجی یک یا دو فضای دیگر به آلودگیهای یک اتاقه ، امکان اجاره دادن آن فراهم می شود و از این پس همچون سازه هایی پر ارزش تر به نظر می آیند. به همین ترتیب ، به سرعت نوبت به زیر ساختها می رسد و گذرگاهها به معابر مفروش تبدیل می شود و مراکز عبادی، کلیسا یا مساجد در مراکز محله ایجاد می شود. متعاقب این امر ، مراکز بهداشتی و فضاهای ورزشی شکل می گیرد. خانواده های پیشرو با یکدیگر متحد می شوند و عرض حال خود را در مورد بر خورداری از آب لوله کشی، دستشوییهای عمومی، جمع آوری زباله ، شبکه دفع آبهای سطحی ، برق و روشنایی معابر یا حتی تلفن عمومی به مقامهای توسعه شهری ارائه می کنند. در عین حال که برخی از این امکانات از طریق مقامهای محلی یا کمکهای بلاعوض تأمین می شود، بخشی نیز از طریق نیروی کار داوطلب محلی به وجود می آید.

البته آنچه اندیشه بر انگیز است تأثیر به رسمیت شناخته شدن، امنیت ، سکونت و آبرومند پنداشتن این گونه محله ها است. خانوارها شبکه معابری منظم و بنا بر دیدگاهشان نوعی از زونینگ را به کمک یکدیگر ایجاد می کنند و به این ترتیب فعالیتهای اقتصادی به فضاهای تفریحی دست اندازی نمی کنند. برخی استقرار کالبدی خانه شان را تغییر می دهند که با الگوی جدید منطبق شود و حتی بخشی از خانه شان را داوطلبانه برای عبور شبکه فاضلاب واگذار می کنند. خیابانها تمیز نگهداری می شود، مخازنی برای زباله ها ساخته می شود و در هنگام شیوع بیماریها تمهیداتی برای سم پاشی و دفع حشرات و جانوران موذی به اجرا گذاشته می شود. فعالیتهای منظم نظافت کل محله را نیروی کار داوطلب به ویژه پیش از برگزاری جشنهای مهم محلی به انجام می رسانند. گرد هماییهای مذهبی و سایر رسوم سنتی رونق می یابد که موجب افزایش پیوندهای اجتماعی و ارتقای هماهنگیهای می شود که انسجام اجتماعی محله ها

را تثبیت می‌کند. پیوندهای اجتماعی موجب شکل‌گیری نظارت و نظام مراقبت از محله می‌شود و این امر از نگرانی والدین نسبت به وضعیت کودکانشان می‌کاهد. به علاوه، گسترش روحیه پیروی از قانون موجب رشد کارفرمایان محلی می‌شود، به این ترتیب اهالی محلی و غیر محلی یقین می‌یابند که این محله مکان مناسبی برای فعالیتهای اقتصادی است.

تردید نیست که کم‌درآمدهای شهری حداکثر استفاده را از مکان خود طی سالها به عمل می‌آورند. سکونت در سکونت‌گاههای غیر رسمی این فرصت را به خانوارهای کم‌درآمد می‌دهد که آسیب‌پذیری‌شان را در قبال دگرگونیهای شرایط بیرونی کاهش دهند، در عین حال در پی فرصتهایی برای بهبود وضعیت زندگی خود باشند. بنابراین، چندان حیرت‌آور نیست که در قبال تخریب، رانده شدن و اخراج از محل سکونت به منظور حمایت از دارایی و سرمایه اجتماعی‌شان که به زحمت طی زمان به دست آورده‌اند، زندگی خود را به مخاطره اندازند.

این داراییها عبارت از خانه‌ها و قناعت آنها، فعالیت برای اسرار معاش و زیرساختهای اجتماعی است. نظر به اینکه شالوده فعالیتهای اقتصادی آنان درون محله واقع شده است - که اغلب قسمتی از محل سکونت آنان به این امر اختصاص می‌یابد - رانده شدن و اخراج از محل سکونت تنها به معنای تخریب واحد مسکونی نیست، بلکه موجب از میان رفتن شالوده فعالیت و امرار معاش خانواده است. بدین ترتیب، هسته تولیدی یا خدماتی با مشتریان دائمی نیز از دست می‌رود. هر چند ممکن است واحدهای مسکونی ظاهر درهم ریخته‌ای داشته باشد، ولی معرف دارایی مهمی است. مسکن نه تنها نقطه جهش اقتصادی خانواده محسوب می‌شود، بلکه فضای انبار توشه و وسایل خانوار نیز به شمار می‌آید؛ همچنین معرف هویت و همبستگی خانواده است. در نهایت خانواده و خانوار تقریباً تنها شبکه قابل اتکا و امن برای اکثر فقرا آسیا محسوب می‌شود.

به این ترتیب، رانده شدن و اخراج از محل سکونت الزاماً موجب توقف فعالیت ساکنان برای بهبود زیرساختهایی می‌شود که خود آنان ایجاد کرده‌اند. رها کردن این سرمایه‌گذارهای شکل گرفته از فعالیت فردی شدید موجب از دست رفتن کوشش فردی و تصمیم‌گیری جمعی

است. افزون بر این داراییهای مادی و ملموس، سرمایه اجتماعی پدیده آمده از راه ارتباطهای متقابل اجتماعی طی سالها، می توان دریافت که چرا ساکنان در برابر تجدید اسکان و بر هم خوردن پیوندهای ارزشمند محلی مبارزه می کنند.

هنجارها، پیوندهای متقابل و اعتماد به وجود آمده میان اعضای اجتماعی محلی، نفع متقابل و همکاری در محله ها را شکل می بخشد. افراد سکونت گاههای فقیر نشین و پر جمعیت به سرعت با یکدیگر آشنا می شوند و شبکه های دوستی و همیاری متقابل را طی زمان پدید می آورند. در حالی که مادری با عجله قصد رفتن به بازار دارد از همسایه کناری خود درخواست می کند که از کودکش مراقبت کند، و در مقابل می خواهد خریدی برای دوست همسایه اش انجام دهد. هنگامی که جمع آوری کننده اقساط کفشهای خریداری شده مراجعه می کند و وی نقدینگی لازم را ندارد از همسایه کناری پول قرض می کند تا پس از دریافت دستمزد یا به دست آوردن کار سودآوری آن پول را بازپردازد.

هر چند که ستیز و کشمکش بخشی از زندگی اجتماعات کم درآمد است که می تواند به تشدید رفتارهای ضد اجتماعی بینجامد، تمام سرمایه اجتماعی این اجتماعات با کمک و حمایت متقابل، سازمانهای محلی، و اقدام هماهنگ به مقابله با این گرایشها بر می خیزد. این سرمایه اجتماعی با زندگی مشترک و احساس هویت و پیشینه همسان بیش از پیش تقویت می شود. مردم مناسبات اجتماعی دوستانه ای که به همسایگی واقعی شکل می بخشد، ارج می نهند. کاری که حکومتها می بایست انجام دهند، پشتیبانی از این احساس همبستگی همراه با اقداماتی است که امنیت نحوه سکونت (Security of Tenure) اشتغال رسمی، حمایت از کسب و کار خرد، تأمین مسکن، زیر ساختها، و خدمات پایه را بهبود بخشد. خود مردم سایر امور را سامان می دهند. کم درآمدان شهری احساس تعلق اجتماعی را در شهرهای ما گسترش می دهند. اجتماعات موفق تر می توانند از این ارزشها برای تحکیم شهرهای قرن بیست و یکم پیروی کنند.

۵) حکومت و فقرای شهری

از آنجایی که بخش بیشتر مشاهدات درباره تأثیر متقابل حکومت و فقرای شهری در کلان شهرهای (بیش از هشت میلیون نفر جمعیت) آسیا به عمل آمده، نگاه پایتختهای ملی معطوف به کوششهای مقامهای محلی شده است. از همین رو مقامهای محلی کلان شهرها مایل اند که نیازهای کم درآمدان شهری (به زمین، مسکن و خدمات پایه) را نادیده بگیرند، چرا که بسیاری از آنها زمینهای متعلق به دولت مرکزی را متصرف می شوند و مسائل در اولویت معمولاً مرتبط با زمین است، حکومت مرکزی مانع اجرای مسئولیت پاسخ گویی مسائل مرتبط به تأمین سرپناه و مکان سکونت کم درآمدی شهری می شود. حتی در جایی که این اولویت کمتر اهمیت دارد، نخبگان صنعتی و شرکتهای عمرانی تجاری با استفاده از شبکه روابط قدرتمند خود، توجه را به شهرهای بسیار بزرگ و درکانون معطوف می سازند و مسائل شهروندان معمولی و فقیر آنجا را تحت شعاع قرار می دهند.

یادآوری این موضوع جالب است که در برخی شهرهای متوسط و بزرگ بر خلاف برخورداری از منابع محدود تر به نیازهای کم درآمد ها به شکل مناسب تری در مقایسه باکلان شهرهای پاسخ داده می شود. شاید گروههای کم درآمد در شهرهای متوسط برای مقامات شهری قابل شناسایی تر باشند. احتمالاً مقیاس مشکلات و بهای زمین به اندازه کافی مدیریت پذیر است که اقدامات موفقیت آمیزی برای تأمین مسکن و کاهش فقر به عمل آید. به هر ترتیب حکومتها در شماری از شهرهای کوچک و میانی توانسته اند به پیشرفتهایی در تخصیص زمین برای تجدید اسکان یا برنامه های بهسازی دست یابند. تحت فشار اجتماعات سازمان یافته و گروههای پشتیبانی سازمانهای غیر دولتی مقامهای رسمی روشهایی را در نظام مدیریت شهری برای حمایت از کم درآمدان شهری برقرار کرده اند که به نیاز آنان در تأمین زمین و مسکن، امرار معاش، و خدمات پایه پاسخ گویند. مقامهای رسمی به طور مشخص موظف شده اند که با ساکنان محله های فقیر نشین شهری برای حل مشکلات ارتباط متقابل برقرار کنند. اکنون نمایندگان این اجتماعات در سازمانهای حکومتی حضور می یابند و در اجرای برنامه ریزی

محلی مشارکت می کنند. کمیته محلات که بسیاری از اعضای آن را زنان تشکیل می دهند بامقامات رسمی برای دسترسی به خدمات اجتماعی به گفتگو می پردازند.

شماری از واحد های حکومت محلی (Local Government units (LGUs در شهرهای میانی می توانند ثمربخشی سازمانهای حمایت کننده کم درآمدان شهری را گواهی کنند. مقامهای محلی که کمکهای مادی و فنی را در بهسازی سکونت گاههای موجود فراهم می آورند، این شیوه را مطلوب ترین روش ممکن برای بهسازی محلات کم درآمدان شهری می یابند. از آنجا که ساکنان این محله ها وقت، کوشش و امکانات مادی شان را سرمایه گذاری کرده اند، احساس می کنند در حفظ و بهبود محیط خود سهم هستند. این پیامدها به تدریج و گاه به طور تصاعدی شکل می گیرند. زمانی که سکونت گاهها نشانه های مشهودی از پیشرفت را نشان می دهد، شمار افراد هر چه بیشتری که در ابتدا دچار بدبینی بوده اند برای مشارکت در امور محله پیشقدم می شوند. اگر مقامهای محلی، دفتری را برای همکاری با گروههای کم درآمد تأسیس کنند؛ این مرکز به کانونی پر جنبش برای فعالیتهایی از قبیل مذاکره، گروه مشاوران ساکنان و طرح ریزی مشترک با مقامهای رسمی تبدیل می شود. اطمینانی که بین شهروندان و حکومت به وجود می آید بخش مهمی از سرمایه اجتماعی جدید و در حال گسترش را شکل می بخشد که از طریق این همکاری سازنده ایجاد می شود.

اگر قرار باشد روابط ایده آلی که توصیف شد نه استثنای بلکه به صورت عرف درآمد، ظرفیتهای سازمانهای اجتماعات محلی (Community based organization) در زمینه طرح ریزی، اجرا، نظارت و ارزیابی لازم است افزایش یابد. همین امر درباره مقامهای محلی در زمینه شروع اقدامات و مدیریت مشترک با برنامه های مرتبط با کم درآمدان شهری به منظور فرارویاندن آنها به شهروندانی با مهارت و شأن جدید مصداق دارد. فراگیری مشترک طرحها و یافتن راه حلها در عمل تحقق یابد.

بهبود دسترسی گروههای کم درآمد به خدمات عمومی مانند آموزش، برنامه های بهداشتی، حمایت انتظامی و خدمات مربوط به فوریتهای پزشکی از جمله اقدامهای معطوف به

کاهش فقر است و حمایت از ایجاد زیر ساختها از قبیل آب آشامیدنی، شبکه فاضلاب، جمع آوری و دفن زباله ها، روشنایی خیابانها نیز در همین مقوله جای می گیرد. مقامهای محلی می توانند به راه حلهای قانونی برای مسائل مرتبط با امنیت نحوه سکونت ساکنان این محله ها از طریق انتقال حق مالکیت یا اجاره دائمی به ساکنان سکونت گاههای غیر رسمی یا فراهم آوردن تسهیلاتی برای تقسیم اراضی دست یابند. آنها می توانند طرحهای بهسازی یا تأمین زمین و خدمات را تدارک ببینند که در آن خواسته های اقتصادی و اجتماعی کم درآمد ها ملحوظ شده باشد. مقامهای شهری با بصیرت می توانند از مقررات ساختمانی منعطف، زیر ساختهای ساده تر و معیارهای آرایش فضایی و کاربری اراضی زمین دفاع کنند و از این رهگذر بهره مندی افراد بیشتری از زمین مسکونی را تضمین کنند. به بیان روشن تر کمک بی سابقه و جدید سازمانهای غیر دولتی نیروی بسیاری را آزاد خواهد کرد که به افزایش دارایی و سرمایه اجتماعی می انجامد. در اجلاس اخیر بانک آسیایی توسعه درباره فرصتها و چالشهای مربوط به مشارکت مقامهای محلی در فرآیندهای توسعه در شهر فیلیپین به نتایج زیر دست یافت که می تواند درباره بسیاری از کشورها مصداق داشته باشد:

- مطلوب ترین طرحهای مقامهای محلی از میزان بسیار بالایی از مشارکت شهروندان در تمامی سطوح - طرح ریزی، اجرا، نظارت، ارزیابی، و مدیریت - برخوردار است.
- مقامهای محلی از ثروت منابع محلی - مالی و انسانی - برخوردارند که اغلب چنان که باید از آن بهره نمی گیرند.
- شهرداریهای کوچک تر و کم درآمد تر نیازمند کمکهای ظرفیت سازی Capacity building به همراه آموزش، تقویت نهادی، ارتباطات بین حکومتی، مشارکت بخش خصوصی و عمومی، و گزینه های کسب درآمد هستند.
- برترین حکومتهای محلی می توانند طرحها را کارآمدتر و مؤثرتر از کارگزارهای ملی به انجام رسانند.

• پیدایش شکلهای جدیدی از همکاری میان مقامهای محلی آغاز شده است؛ برای نمونه، اتحادیه شهرداریها یا استانها که واسطه و حلقه پیوند مفیدی در توانمند سازی بانک آسیایی توسعه برای همکاری با مقامهای محلی است. زمانی که مقامهای محلی در عمل به ارزش ارتقای مهارتها، دانش و مشارکت در مدیریت فراگیر جمعیت کم درآمدشان پی برند، احتمالاً به اعمال نفوذ در مقامهای ملی روی می آورند تا چارچوب سیاست گذاری برای تقویت اقداماتشان فراهم شود. این امر می تواند تأمین مالی، اخذ مالیات و طرحهای خلاق تخصیص بودجه را شامل شود. بدین ترتیب، اقدامهای اصلی در زمینه تخصیص زمین برای ساکنان کم درآمد، تأمین مسکن واحداث زیر ساختها و ارائه اعتبار برای فعالیتهای سرمایه گذاری، میسر شود. با حمایت شفاف از سوی حکومت و بخش خصوصی، محلات کم درآمد نشین ضرورتی ندارد بدمنظر و نابسامان به نظر آیند. مشارکت توأم ساکنان و حکومت می تواند به رشد مطلوب محله های کارگری آبرومندانه یاری رساند.

۶) رهنمودهایی برای کاهش فقر شهری

کاهش فقر شهری مستلزم تحولی همه جانبه در الگوی اندیشه و عمل در جهت کم درآمد هاست. جوامع می بایست به آنان به مثابه دارایی خود و نه مشکلات موجود بنگرند، زیرا مردم مشتاق هستند زندگی شان را بهبود بخشند و آماده اند گامهایی بردارند که محدودیتهای دیر پا از میان برداشته شود. شهرداری، دولت و حکومت مرکزی می توانند اقدامهای بسیاری در این زمینه به عمل آورند که سرمایه گذاری مردم در محله هایشان و در نهایت در شهرشان شتاب گیرد. خطوط کلی آغاز این فرآیند در اینجا به اندازه محصول اهمیت دارد- می تواند به تعیین اولویتها و انجام آن یاری رساند.

- ۱- تدوین راهکارهایی از سوی حکومت که قادر به پاسخگویی و حمایت از مشارکت همه جانبه کم درآمدهای سازمان یافته در تصمیم‌های مربوط به اجتماعاتشان، شهرشان و ملت آنان باشد.
- ۲- گسترش و رواج محله‌هایی که به لحاظ اجتماعی و زیست محیطی وضعیت متعادلی داشته باشند شامل مردمی که به دیگران و محیط پیرامونشان اهمیت می‌دهند.
- ۳- از مشارکت زنان در سازمانهای اجتماعات محلی (CBO) و در فعالیتهای اقتصادی حمایت شود.
- ۴- تشویق مقامهای حکومت محلی برای در اولویت قرار دادن اقداماتی در جهت منافع گروههای کم درآمد که اهمیت حیاتی در ظرفیت سازی منابع انسانی و مبارزه با فقر دارند.
- ۵- چارچوب سیاست گذاری ملی را در خدمت سکونت گاهها بنیان نهند تا توسعه پایدار در جهت یکپارچه سازی راهکارهای اجرایی و نظارتی باشد.

- ۱- جواهری پور، مهرداد و دلوربناه ، بابک ، ۱۳۸۱ ، سکونت گاههای ناپایدار افشار کم درآمد شهری : بازبینی سیاست گذارهای دوران اخیر در زمینه اسکان غیر رسمی و نابسامان" در فصل نامه هفت شهر. تهران : سازمان عمران و بهسازی شهری.
- 2- Racielis , Mary (1999) "**Cities for Twenty First Century People a Regional Perspective on Urban Poverty in Asia**" Retrieved From: www.un-habitat.org/ifup in 2002.
- 3- UNCHS (2000a) "**Human Settlement Condition of Urban Poor' and "Habitat Back Grounder: Fact and Figures**" Retrieved from : <http://www.unhabitat.org/programmes/housingpolicy> in 2001 .
- 4- UNCHS (2001). "**Belo Horizonte Seminar**" Retrieved from : www.unchs.Org/unchs/suphome in 2001 .